

## گفتگو با اهل تاریخ؛

### مصاحبه با دکتر تورج دریایی استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا

غلامرضا آفری خاکستر\*

#### اشاره

در تاریخ ۲۷ آبان ماه ۱۳۸۵ دکتر تورج دریایی برای سخنرانی علمی پیرامون تاریخ، میهمان دانشکده ادبیات، گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد بود. فرصتی پیش آمد تا در ساعت ۹ شب در محل مهمانسرای دانشگاه فردوسی واقع در بیمارستان قائم به همراه دوستان (آقای غلامحسین نوعی و جواد تابان) مصاحبه ای با ایشان داشته باشیم. دکتر دریایی از پژوهشگران جوان کشورمان در آمریکا می باشد که در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا فولتون به تدریس تاریخ مشغول می باشد. دکتر دریایی صاحب چندین مقاله و کتاب می باشد.

ضمن تشکر از سرکار خانم سیده زهرا مسعودیان زاده که زحمت پیاده سازی نوار بر عهده ایشان بود.

**تاریخ پژوهی: ضمن سپاسگزاری از دکتر دریایی که این فرصت را به مجله تاریخ**

**پژوهی دادند، خواهش می کنم به عنوان اولین سنوآل از معرفی خودتان شروع کنید؟**

ج: تورج دریایی هستم. متولد ۱۳۴۶ در تهران. دوران دبستان در مدرسه گیو و

راهنمای در مدرسه رضا و دبیرستان در مدرسه محمد نراقی در جماران گذراندم

در این سالها من در رفت و آمد بودم بدین صورت که سال پنجم ابتدایی رفتم

امریکا و چند سالی هم در اروپا بودم و تابستانها در ایران بصورت متفرقه امتحان می دادم تا از

تحصیل عقب نیفتم. تحصیلات دانشگاهی در آمریکا گذراندم. دکترای تاریخ در سال

۱۹۹۹م/۱۳۷۸ش. از دانشگاه UCLE (یو سی ال ای) کالیفرنیا در لس آنجلس گرفتم.

**تاریخ پژوهی: در مورد پدرتان و شغلشان بفرمائید؟**

پدرم فوق لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان هستند. مدتی

تدریس می کردند و بعد در شرکی خصوصی مشغول به کار شد.

\* کارشناس تاریخ از دانشگاه آزاد بجنورد

**تاریخ پژوهی: چرا جنابعالی در دوران تحصیل در رفت و آمد بودید آیا علت خاصی**

**داشت؟**

بستگی به اوضاع خودمان و اوضاع آنجا داشت. قبل از انقلاب مرا فرستادند تا انگلیسی یاد بگیرم بعد انقلاب شد ما برگشتیم. مجدد به آمریکا رفتم. به علت گروگانگیری که شده بود جو آنجا مهیا نبود، بنابراین به اسپانیا و یونان رفتم.



**تاریخ پژوهی: منظور از گروگانگیری، مسئله تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران بود؟**

بله! درست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رفتم آمریکا آنجا بودم که سفارت



آمریکا در تهران تسخیر شد. بنابراین برای ایرانیانی که در آمریکا بودند جو مناسبی نبود. تصمیم گرفتم برای تحصیل به اسپانیا بروم. در آنجا وضع به گونه ای بود که به راحتی به ایرانیان ویزا نمی دادند، من چند ماهی در اسپانیا بودم بعد از آن کشور یونان به من ویزای اقامت داد و برای تحصیل به آنجا رفتم.

**تاریخ پژوهی: آیا معلمان دوره، راهنمایی و متوسطه در گرایش جنابعالی به رشته**

**تاریخ نقش داشتند؟**

آن چیزی که من از معلمانم به یاد دارم استاد بخصوصی که مثل یه پشتوانه من را به اینجا رسانده باشد نیست، معمولاً بیشتر تجربه زندگی بود که من را به تاریخ کشاند.



## تاریخ پژوهی: آقای دکتر از تحصیلات دانشگاهی بفرمائید، به خصوص مقطع کارشناسی تاریخ در خارج از کشور؟

دانشگاه که وارد شدم بیشتر تاریخ معاصر مد نظر بود بخصوص راجع به تاریخ آمریکای لاتین خیلی علاقه داشتم. مثلا، انقلاب هایی که در آمریکای لاتین اتفاق افتاده بود. انقلاب مکزیک در اوائل قرن بیستم، انقلاب کوبا یا انقلاب نیکاراگوئه که همزمان با انقلاب ایران بود برای خود من جالب بود که بررسی داشته باشم پیرامون این انقلابها با انقلاب ایران.



یکبار کلاس تاریخ خاورمیانه گرفتم چون فکر می کردم مال همین منطقه و ایران هستیم خیلی خوب است تاریخ آنجا را بدانم ولی با نمره هفت یا هشت رد شدم. چون دو سه سال در یونان درس خوانده بودم این اثر مهمی رو ذهنیت من گذاشت تا درباره تاریخ ایران و یونان و آن دید غرب و شرق نسبت به همدیگر مطالعه ای داشته باشم. لیسانس را که گرفتم کاملا برایم مشخص بود می خواهم روی تاریخ قبل از اسلام تمرکز کنم به خصوص تاریخ ساسانیان. در خارج از کشور تاریخ عمومی است و دانشجو باید کلاسهای متفاوتی بگذراند مثلا تاریخ خاورمیانه چهار ترم، تاریخ بین النهرین یا خاور نزدیک در دوره باستان بود بعد چند کلاس هم به صورت متفاوت با استادها بر داشتیم در دانشگاه یک استاد زبان شناسی هم بود که ایشان خود شاگرد آقای والتر گونو هنینگ بودند که خود یک شرق شناس و ایران شناس معروف است ایشان به من خیلی کمک کردند در یادگیری زبان های باستان.

من در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا بودم بعد لیسانس گرفتم رفتم دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس این دو تا دانشگاه مختلف بود آنجا کارشناسی ارشد و دکتریام را گرفتم. یکی از اساتیدم مایکل مورونی است. ایشان ترشان در باره عراق و اثرات حمله اعراب بر عراق بود یعنی فروپاشی دولت ساسانی و آمدن اعراب به عراق با مشورتی که با ایشان داشتم فرمودند: من روی عراق کار کردم و یکی از دانشجویان بنام بولاک در ارتباط با خراسان تحقیق کرده، شما هم پیرامون فارس کار کنید. استاد مورونی از لحاظ تاریخی خیلی به من کمک کردند چرا که ایشان دید تاریخی و این تفکر را در من به وجود آوردند. از دیگر اساتیدم خانمی بود به نام کلادیا رپ از آلمان، ایشان

استاد تاریخ رم و بیزانس بودند. یعنی آقای مورونی گفتند: شما اگر بخواهید تاریخ اواخر عهد عتیق یعنی بین سالهای ۱۰۰ تا ۷۰۰ م را بشناسی باید تاریخ رم هم بگذرانید. من با خانم کلادیا رپ تاریخ رم گذراندم و ایشان به من خیلی لطف کردند و یک پنجره ای جدید برای دنیای باستان به روی من گشودند و فهمیدم اهمیت آن برای شناخت تاریخ ایران تا چه اندازه است. استاد هانس پیتر اشمیت که فرهنگ و زبان های باستان تدریس می کرد نیز از دیگر استایدم بودند. ایشان از روز اول تاکید کردند می خواهی چه بخوانی و من گفتم: می خوام زبان های باستان یاد بگیرم. بنابراین حدود یک سال زبان های سانسکریت خواندم حدود چهار سال زبانهای پهلوی و سغدی و اوستا با من کار کردند

استاد دیگر که در من خیلی تاثیر داشت، آقای مایکل بیت Bate بودند. آقای مورونی گفتند: اگر می خواهی تاریخ باستان بخوانی باید تاریخ مادی آن را هم بشناسی؟ مثلاً سکه و چگونگی استفاده از منابع مادی. به این منظور مرا فرستادند نیویورک، در کنار دانشگاه کلمبیا یک مرکز سکه شناسی است که حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ سال قدمت دارم با آقای بیت حدود دو ماه سکه شناسی کار کردم هنوز هم با هم در ارتباط هستیم.

**تاریخ پژوهی: یکی از شیوه های مطرح در تاریخ موضوع تاریخ شفاهی می باشد این موضوع در خارج از کشور بخصوص دانشگاه ایالتی کالیفرنیا به چه صورتی است؟**

به تاریخ شفاهی در آمریکا خیلی بها می دهند مراکزی مختص این امر وجود دارد. اتفاقاً در دانشگاه ما این رشته وجود دارد. کار تاریخ شفاهی پر هزینه می باشد. با افرادی که مصاحبه می شود باید دقت شود چه سئوالاتی پرسیده شود



و این سئوالات دارای پاسخ صحیح باشد و نوارهای مصاحبه توسط کارشناسان پیاده می شود و پس از ویرایش بعنوان مدخلی در اختیار محققان قرار می گیرد. در این دانشگاه از زاپنی های که در جنگ جهانی دوم به اسارت درآمده بودند مصاحبه شد، تمرکز روی مسئله ای است که بعد از مصاحبه بتوانند برداشتی مناسب از مصاحبه ها داشته باشند

**تاریخ پژوهی: آقای دکتر دریایی، ما در آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت اسناد استان قدس رضوی مصاحبه ها را در قالب پروژه های تعریف شده انجام می دهیم. بعنوان مثال: در طرح تاریخ شفاهی پزشکی مشهد، بعد از مطالعه پیرامون اسناد و مدارک پزشکی مشهد به سراغ نسلی از پزشکان رفتیم که جزء اولین های پزشکی خراسان بودند. و مسئله سن و پستهای اجرایی بخصوص اقداماتی که انجام داده اند برای ما خیلی مهم بود. در این پروژه متوجه شدیم که برخی از مصاحبه ها فراتر از یک مصاحبه معمولی است. بطوریکه برخی از مصاحبه ها حتی بیشتر از بیست جلسه می شد.**

در دانشگاه کالیفرنیا با مردم معمولی مصاحبه می کنند. بیشتر جنبه تاریخ اجتماعی مورد نظر می باشد، اینکه چه بر سر آنها آمده است ولی مراکزی چون هاروارد به سراغ سران یا افراد مهم می روند.



### **تاریخ پژوهی: جایگاه رشته تاریخ در خارج از کشور چگونه ارزیابی می کنید؟**

من فکر می کنم به احتمال زیاد مثل خود ایران باشد. رشته ای نیست برای گرفتن یک کار عالی. مثلاً کسی که کامپیوتر یا طب می خواند کارایی بیشتر دارد ولی در علوم انسانی یا در کارهای اداری استخدام می شود یا در دانشگاهها تدریس می کنید. حقوقش هم نسبت به کسی که کامپیوتر می خواند یا طب کمتر است.



### **تاریخ پژوهی: در ارتباط با پایان نامه خود و موضوع آن بفرمائید؟**

در خارج از کشور کارشناسی ارشد و دکتری پایان نامه دارد. در کارشناسی ارشد لازم نیست پایان نامه داشته باشید اگر سه مقاله یا تحقیقی مفصل کار کرده باشید به استاد می دهید اگر تأیید کردند کارشناسی ارشد می گیرید من به تاریخ ایران علاقه داشتم، تاریخ ارمنستان هم برداشتم می خواستم تا می توانم تاریخ دوره باستان را بردارم تا بیشتر در مورد باستان بدانم. پایان نامه من در مورد سقوط ساسانیان بود که این کتاب در ایران توسط نشر تاریخ ایران چاپ شده است. در این کتاب در ارتباط با سقوط ساسانیان می باشد در حقیقت به استان فارس در دوره ساسانی، ساختار اداری، اجتماعی، سیاسی و



دینی آن می پردازد. بعد اعراب مسلمان آنجا را تسخیر می کنند. چگونه تسخیر می کنند؟ این تسخیر چه عواقبی دارد؟ آیا تبدیل به هرج و مرج اداری، اقتصادی و سیاسی شد یا خیر؟ اینگونه که من برداشت کردم در اواخر دوره ساسانی بخاطر رقابت میان نجبا و خاندان سلطنتی یک سری اغتشاش و جنجال بوجود آمد. اعراب مسلمان می آیند کارهای می کنند از لحاظ اداری یک نظامی می دهند و آن نظم و ثبات برمی گردانند به دوره ساسانی. البته بعد از یک جنگ طولانی مدت. مسئله بعدی این بود که این جنگ، جنگی نبود که در سه نبرد تمام شود در حقیقت یک نبرد خیلی طولانی تر که حداقل تا قرن هشتم میلادی طول می کشد. یعنی بیشتر از ۵۰ سال این کشمکش بود. این مسئله بخاطر این نبود که ایرانی ها با اعراب جنگ داشتند این بود که یک شهر سه یا چهار بار تسخیر می شد. مجدد آنها شورش می کردند.

**تاریخ پژوهی: آیا سقوط ساسانیان بخاطر ورود یک نیروی جدید و اسلام بود یا بر می گشت به ساسانیان و مسائل اجتماعی، مذهبی و سیاسی در اواخر دوره ساسانی؟**

من اصلا مسائل اجتماعی را نمی بینم. بر حسب شواهدی که داریم اینها همه باورهای عقیدتی است آن وقتی که کمونیستها شروع کردند به نوشتن تاریخ ایران و مساله طبقات اجتماعی را مطرح کردند. آقای پطروشفسکی نمونه بارز این جریان است که آقای کشاورز و دیگران این کتاب را ترجمه کرده اند. یک مقدار از این باورها با مسائل سیاسی دهه ۶۰ بعد ۶۰ مرتبط بود. دیگر اینکه دولت ساسانی را با پهلوی در نظر بگیریم که بخاطر مسائل اجتماعی سرنگون شده اند. در صورتی که این مسائل ربطی به هم ندارند.

**تاریخ پژوهی: آیا می شود با حکومت صفوی مقایسه کرد برای رسمی کردن دین؟**

خوب دین رسمی شد ولی آن دیدی که به ساسانیان داشتیم، حالا مسئله این است که رومی ها کاری که می کنند این است که ارتششان با ساسانیان فرق می کند در ارتش ساسانی چهار گروه است با چهار تا اسپهبد که این ارتش در نواحی مرزی شمال، جنوب، غرب و شرق حضور دارند. رومی ها این کار را برعکس می کنند ارتش در

هر استان سکنی می دهند و به آنها می گویند شما مایحتاج خود را باید از زمینی که به شما داده ایم تامین کنید. این ارتش ضعیف شده و شکست خورد. ناگهان اعراب از صحرای عربستان هجوم می آورند بایک نیرویی که سوار بر شتر است و قابلیت عجیبی دارد. اعراب در عرض ۵۰ سال با دولتی که می جنگند آنها را شکست می دهند حتی رومی ها و چینی ها و... به تازگی یک مطالعاتی در مورد ارتش اعراب در صدر اسلام صورت گرفته که نشان می دهد این ها چقدر مجهز بودند ارتشی که مخصوصاً سوار شتر است خیلی بهتر می تواند از اسب پیشی بگیرد و خیلی راحت می تواند مانور دهد. بر عکس ارتش سنگین سواره نظام ایران نمی تواند به راحتی مانور بدهد اعراب خیلی چابک تر بودند. و می توانستند همه را شکست دهند. اگر اعراب بیابانگرد بودند و نظمی نداشتند چگونه توانستند ارتش منظم ایران شکست دهند؟ حتماً یک فسادى در جامعه بود که ناگهان باعث شد مردم درها را باز کنند و اعراب بتوانند وارد شوند. کدام متن است که چنین مطالبی را گفته باشد. چنین متنی وجود ندارد بر حسب منابع سکه شناسی یک شهر سه یا چهار بار بر ضد امیرانی که خلفا نهاده بودند شوریدند. شهر استخر نمونه بارز این امر است سال ۱۴، ۱۶، ۱۸ هر وقت که دیدند اعراب مقداری دور شده اند امیر آن شهر را کشتند. طبق باور سنتی که ما داریم اعراب مجبور می شوند بیابند و در این شهرها خونریزی راه اندازند. وقتی کتابهای مانند فتوح البلدان می گوید: پدرشان را در می آوردند، این چه نوع در باز کردن است. اصلاً این گونه نیست.\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\*. موجب شگفتی است که استاد دریایی به جای پاسخ به سوال سراغ انکار نقش عناصر اجتماعی رفته‌اند. قطعاً نقش نظامی و توانایی‌های دو طرف بحث مهمی است ( هر چند آن را هم ایشان یک سویه مطرح کرده‌اند) اما گذشته از شکستها و پیروزیهای جبهه نظامی و حاکمیت سیاسی شهرها ایشان در آغاز سخن خود اذعان دارند که این اسلام رسمی شد. سوال این است که آیا پذیرش اسلام توسط ایرانیها و رها کردن ساختارها و باورهای مذهبی - اخلاقی عصر ساسانی هم امری نظامی است؟ می‌دانیم که در روند تغییر مذهب فشار و خشونت در کار نبود. پس چگونه می‌توان به عنوان یک استاد تاریخ به این سادگی نقش عناصر اجتماعی را نادیده گرفت؟

## تاریخ پژوهی: چرا کشور ایران با توجه به قابلیت‌های که دارد در جذب توریست موفق

نیست؟

من طی سفری سه هزار کیلومتری که در ایران داشتم و شبها در منزل مردم بودم در طول راه خیلی کم اتفاق می افتد که یک فلش یک منطقه تاریخی را نشان دهد. ما باید یک سری آدرس داشته باشیم که توریست ها را راهنمایی کند به سوی مکانهای توریستی. وجود مهمانسرا لازم است. مسئله دیگر در زمینه سیاسی است با کشورهای دیگر ویزا مشکل می دهیم ایران محبوبیتی در بین سایر کشورها ندارد و در نتیجه آنچه رسانه های خارجی ارائه می دهند اصلا با آنچه در اینجا می گذرد تطبیق نمی کند. خیلی از مردم فکر می کنند که اینجا یک کشور عجیب و غریب است که اگر بیایند ممکن است با خطر مواجهه شوند. برای یک خارجی خیلی چیزها با ید مهیا باشد ما نمی توانیم قوانین سختی را اعمال کنیم مثلا سخت گیری پیرامون حجاب، نتیجه این می شود که توریست استقبال خوبی از ایران نداشته باشد.

